

تفسیر مواد قانون مجازات اسلامی

محمد علی اخوت (عضو معاون دیوان عالی کشور)
(قسمت بیست و نهم)



گفتار چهارم: نقش خواب در مسئولیت کیفری

در دایرة المعارف بریتانیکا، خواب حالتی عادی، بازگشت پذیر به همراه بی اختیاری ناشی از کاهش و عدم پاسخ به محرکات خارجی تعریف شده است.^(۱) در مقابل آن بیداری است که هشیاری فرد را به همراه دارد.

تعریف فوق مربوط به خواب طبیعی است؛ اما در خواب طبیعی ممکن است برخی از افراد مرتکب اعمال و افعالی شوند که در بیداری از آنها انتظار می رود. این حالت به "خوابگردی"^(۲) یا "خواب رفتاری" مشهور است. در تعریف این حالت خاص، فرهنگ لاروس، آن را حرکات خوبه خودی (بی اختیار) در حال خواب تعریف

کرده است.^(۳)

خوابگردی یا خواب رفتاری نوعی اختلال در خواب طبیعی است که شخص ضمن آن، اعمال مختلفی را انجام می دهد؛ می ایستد، راه می رود، صحبت می کند، فریاد می کشد و یا ممکن است خانه را ترک کند. پس از انجام برخی اعمال مجدداً به رختخواب برمی گردد بدون اینکه خاطره ای در ذهن او باقی بماند. این اختلال در کودکان و جوانان بیش از بزرگسالان وجود دارد.^(۴)

از دیدگاه روان شناسی کیفری، خواب رفتاری را حرکت در خواب صرعی گفته اند، مطالعه درباره اشخاصی که در خواب مرتکب اعمال خودکار می شوند نشان داده آنها دچار

نوعی صرع هستند. از خصوصیات آن، کوتاه مدت بودن خواب و فراموشی بعد از بیداری است. اگر از اعمال و حرکات خودکار بیمار جلوگیری کنند ممکن است مرتکب اعمال خطرناک بزهکارانه مانند آتش افروزی و هتک ناموس گشته یا دچار خشم شدید شود.^(۵)

رفتار شخصی که دچار خواب رفتاری است معمولاً طبیعی است؛ ولی بعضی اوقات امکان وقوع جرم مدنی (ایراد خسارت) و یا جرم جزایی (قتل و ضرب و جرح و تخریب) وجود دارد.

خواب مصنوعی یا هیپنوتیزم:^(۶)

در هیپنوتیزم، عامل خارجی، شخصی است که در این امر مهارت دارد. او با انجام تلقینات، حالتی در بیمار به وجود می آورد که براساس آن،

تنها به امر خواب کننده^(۷) توجه کرده و به القائات او گوش فرا داده و تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرد. آن طور که امر می‌خواهد می‌بیند، احساس می‌کند، حتی بوهایی که او دستور می‌دهد، استشمام می‌کند و اعمالی که ممکن است برخلاف خواست قلبی بیمار باشد، انجام می‌دهد.

از این راهکار، اولین بار "فرانتز مسمر"^(۸)، پزشک آلمانی (۱۸۱۵ - ۱۷۳۴)، به عنوان راه درمان بیماران روانی استفاده کرد. طریقه‌ای که به نام او "مسمربیم" نام گرفت.^(۹)

نکته جالب توجه در هیپنوتیزم این است که بیمار باید بخواهد که تحت تأثیر خواب مصنوعی قرار گیرد، و بدون اراده او این کار ممکن نیست. تأثیر هیپنوتیزم بستگی به فرد بیمار و زمان استفاده از آن و میزان و عمق "جلسه"^(۱۰) یا "خواب" دارد. در صورتی که در زمان خواب به فرد دستوراتی داده شود ممکن است، از او بخواهند کارهایی را بعد از رفع حالت خلسه و در زمان هوشیاری انجام دهد، که شخص آن کارها را در زمان بیداری وفق دستور، بدون اینکه از منشأ آنها آگاهی داشته باشد، انجام خواهد داد. با این مقدمه، به این امر پی می‌بریم که در

خواب مصنوعی، حداقل نوعی اراده برای "خواب رفتن" وجود دارد؛ ولی در خواب رفتاری که نوعی عمل غیر ارادی است، اراده مفقود است. برای روشن شدن موضوع، مقاله را در سه بخش: خواب و مسئولیت کیفری در فقه امامیه، حقوق بیگانه و حقوق ایران پی می‌گیریم.

بخش یکم. در فقه امامیه

در گفتارهای پیشین به حدیث "رفع" اشاره کردیم و گفته شد که یکی از مصادیق رفع قلم، عدم مسئولیت شخص خواب است.^(۱۱)

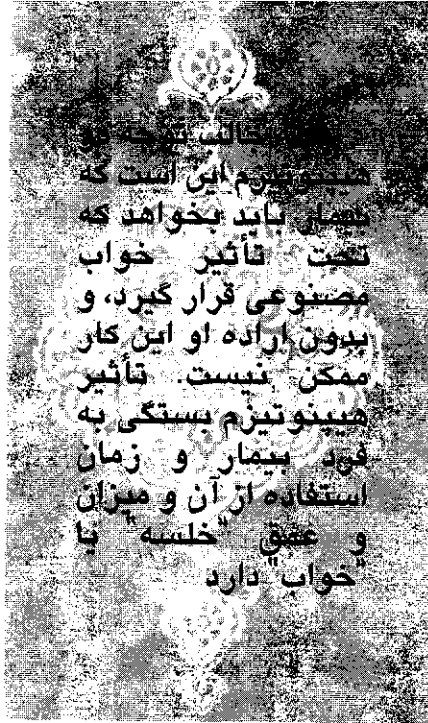
بنا بر این حدیث که در متون فقهی آمده است شخص "خواب" فاقد مسئولیت کیفری است. با این حال، گاهی شخص خواب از باب ضمان دیه شخصاً یا عاقله او مسئول شناخته شده است. این ضمان از باب مجازات، که هدف تنبیه و ارعاب دارد، نبوده بلکه جنبه ترمیم خسارت مجنی علیه را دارد.^(۱۲)

برخی فقهای امامیه در باره ضمان دیه شخص خواب بین دایه و غیر آن تمایز قایل شده‌اند.

آیت اله خوئی برای غیر دایه که بر اثر خواب موجب تلف یا نقصان شود، مسئولیتی قایل نیست. پس شخص خواب ضامن دیه نیست؛ زیرا نمی‌توان گفت شخص خواب از مال خود ضامن است چون قصد فعل نداشته و عمل به او قابل استناد نیست. از سوی دیگر، اگر بگوییم که عاقله او ضامن پرداخت دیه است، به این لحاظ است که قتل یا صدمه خطایی واقع شده است، قتل خطایی آن است که فرد، مرتکب فعلی شود که نتیجه آن را نمی‌خواسته، مثل اینکه تیری به سوی حیوانی رها کند و به انسان بی‌گناهی اصابت نماید. در حالی که در شخص خواب، اصولاً او به اختیار فعلی انجام نداده است تا خطای محض مصداق پیدا کند. بنابراین، باتوجه به اصالة البرائة، نائم ضامن دیه نیست.^(۱۳) امام خمینی (ره) در مورد فوق، عاقله را ضامن دیه می‌داند:

اگر شخص خواب، نفس یا عضو را با غلتیدن و یا سایر حرکات به نحوی که نتیجه فعل بر او مستند گردد، تلف کند، ضمان درمان عاقله

خوابگردی یا خواب رفتاری نوعی اختلال در خواب طبیعی است که شخص ضمن آن، اعمال مختلفی را انجام می‌دهد می‌ایستد، راه می‌رود، صحبت می‌کند، فریاد می‌کشد و یا ممکن است خانه را ترک کند. پس از انجام برخی اعمال مجدداً به رختخواب برمی‌گردد بدون اینکه خاطره‌ای در ذهن او باقی بماند. این اختلال در کودکان و جوانان بیش از بزرگسالان وجود دارد.



است.^(۱۴)

در شرح "شراعی الاسلام" آمده است: "در اینکه شخص خواب قصاص نمی‌شود، از نظر نص و فتوا و نیز اجماع فقها، اعم از محصل یا منقول، خلاف و اشکالی نیست؛ زیرا، اولاً: قصد قتل که تشکیل‌دهنده عمد است وجود ندارد، ثانیاً: مرتکب به سبب خواب معذور بوده است ولیکن او مسئول پرداخت دیه است. شیخ صدوق و مفید و یحیی ابی سعید و فاضل، بنا بر آنچه از بعضی از ایشان نقل شده است، نیز همین نظر را دارند. در کتاب "سرائر" نیز این عقیده (یعنی ضمان دیه) به بعضی از اصحاب ما نسبت داده شده است؛ با این عبارت که، ایشان (فقها) همگی موضوع قتل به وسیله شخص خواب را دارد در بحث ضمان نفس کرده‌اند و بدون خلاف، دیه بر عاقله تحمیل نمی‌شود؛ زیرا این نوع قتل شبه عمد است. دلیل این امر حدیث مرسلی است که به لحاظ عمل مشهور (تقویت) شده است و نیز حکومت قاعده اصالت ضمان بر ائتلاف کننده. اما اکثر متأخرین و به قولی همه آنها از جمله مصنف "شراعی" در کتاب "دیات" به لحاظ اینکه قتل بر اثر خطای در فعل و قصد واقع شده است، دیه را بر عهده عاقله نهاده‌اند.^(۱۵)

ملاحظه می‌شود که در نظر فوق، شخص خواب ابتدا ضامن دیه شناخته شده، اما صاحب "شراعی" در کتاب "دیات" به سمت نظر متأخرین

گرایش پیدا کرده و عاقله را ضامن پرداخت دیه دانسته است. در نتیجه سه قول در مورد ارتکاب بزه به وسیله شخص خواب موجود است:

۱. عدم مسئولیت مطلق که نظر مرحوم خوئی است.
۲. پرداخت دیه به وسیله شخص خواب، که نظر مرحوم صاحب "جواهر" و نظر اول صاحب "شرایع" است.

۳. پرداخت دیه به وسیله عاقله، نظر بعدی صاحب "شرایع" و امام خمینی (ره) است.

در مورد دایه، مرحوم خوئی بیان داشته‌اند: اگر دایه برای عزت و فخر دایگی کرده و بر اثر حرکات غیراختیاری موجب تلف یا نقصان شود، خودش ضامن است و اگر دایگی به خاطر دستمزد باشد، (به خاطر فقر دایه) عاقله او ضامن پرداخت دیه است. استناد ایشان به صحیح محمدابن مسلم به نقل از معصوم است که فرمود: "هر کس برای قومی دایگی کند و کودکی از ایشان را در حال خواب بکشد، اگر دایگی برای عزت و فخر بوده باشد، دیه از مال او پرداخت می شود و اگر به خاطر فقر دایگی کند، دیه به عهده عاقله اوست."^(۱۶)

و همچنین است نظر صاحب "جواهر"، در کتاب "جواهر الکلام"^(۱۷) که حسب مورد، دایه و عاقله را ضامن دانسته است.

امام خمینی (ره) ضمن ذکر نظر فوق، در هر دو مورد عاقله را ضامن دانسته‌اند: "و دایه اگر برای عزت و فخر دایگی کرده باشد، از مال خود و اگر به لحاظ فقر دایگی کند ضامن بر عاقله است. ولی در عمل، در این نظر تردید وجود دارد و ظاهر این است که در هر دو، عاقله ضامن است. مادر به دایه ملحق نمی‌شود."^(۱۸)

باتوجه به موارد فوق، روشن می‌شود که فقها در مورد ضامن بودن "دایه" و "عاقله" نیز در صورت تلف و نقص عضو، اختلاف نظر دارند و هیچ‌کدام از فقهای مذکور، متعرض ضمان یا عدم ضمان دایه‌ای که نه برای طلب فخر یا فقر، بلکه صرفاً برای کمک به طفل شیرخوار را دایگی کرده است، نشده‌اند. ظاهراً این مورد ملحق به طلب عزت و فخر است. به علاوه،



امام خمینی (ره) حکم مادر را که موجب تلف یا نقصان به هنگام خواب می‌شود، جدا دانسته‌اند. شاید در مورد ضمان دایه بتوان گفت، علت مسئولیت او بخاطر وظیفه‌ای است که بر عهده گرفته، ولی بخوبی به انجام نرسانده، بر اثر بی‌احتیاطی او تلف یا نقص ایجاد شده است. به هر حال، جای بحث فقهی در مورد مسئولیت شخص خواب باز است که از عهده این مختصر خارج می‌باشد.

بخش دوم. مسئولیت کیفری خواب در حقوق فرانسه و انگلیس

در حقوق فرانسه، ارتکاب جرم به وسیله شخص خواب، قابل تعقیب کیفری نیست؛ اما بی‌احتیاطی قبل از خواب که خطر ایجاد نتیجه مجرمانه را به وجود می‌آورد در صورت ارتکاب جرم، زمینه‌ساز غیر عمدی بشمار می‌رود؛ مانند راننده‌ای که به خاطر خستگی دچار خواب آلودگی شده و مرتکب جرم غیر عمدی می‌شود.

حرکت در خواب طبیعی و هیپنوتیزم، بحث‌های نظری را برانگیخته است. در مورد اولی (خواب‌گردی) وقوع بزه عمدی منتفی است؛ ولی فرض ارتکاب بزه غیر عمدی وجود دارد. کسی که دچار این اختلال است اگر با علم به بیماری خویش مرتکب بی‌احتیاطی شده و در زمان بیداری احتیاطات لازم را معمول ندارد و در نتیجه عمل او جرم واقع شود، تعقیب او قابل بررسی

است.^(۱۹) مانند اینکه با اطلاع از حالت خویش، اسلحه را در کنار خود قرار دهد و بر اثر حرکت در خواب "خواب رفتاری" مرتکب قتل یا صدمه شود.

در حقوق "کامن لو"،^(۲۰) مواردی از خواب رفتاری مورد حکم دادگاهها قرار گرفته است:

۱. در دعوی استرالیایی سال ۱۹۵۱ م، خانم گوگدون، خواب دیده بود که دخترش به وسیله عنکبوتها و سربازان کره شمالی مورد حمله قرار گرفته است. در پی آن، دختر خود را با تیر کشته بود. دادگاه او را از اتهام قتل به این لحاظ که اعمالش ارادی نبوده است، تبرئه کرد.^(۲۱)

۲. در دعوی دادستان علیه "بورگس"^(۲۲) مطرح شده در سال ۱۹۹۱ م، بورگس بر اثر "خواب‌گردی" بطری و ضبط ویدئویی را بر سر دوستش که خوابیده بود، کوبید و گلوی او را با دست خراشید. دوستش بیدار شده و فریاد کشید. متهم ناگهان به خود آمد و از کاری که کرده بود دچار پشیمانی شدید شد. او به اتهام ایراد جرح عمدی به موجب بخش هجدهم قانون جرایم علیه اشخاص مصوب ۱۸۶۱ م، متهم شد.

وی در دفاع اظهار داشت که ارتکاب این عمل به لحاظ بی‌اختیاری بوده است. قاضی ارتکاب عمل را در حال جنون تشخیص داد و به همین لحاظ تبرئه شد و دستور داده شد که برای معالجه به بیمارستان اعزام شود. متهم از این رأی استیناف خواست؛ چرا که در صورت اعزام به بیمارستان تحت نظر وزارت کشور می‌بایست مدت نامعینی تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گیرد و اگر دفاع او بر بی‌اختیاری قبول می‌شد، از اتهام تبرئه شده و آزاد می‌شد. دادگاه استیناف دفاع او را به این لحاظ که "خواب رفتاری" که او دچار شده است، در نتیجه یک عامل داخلی بوده، نپذیرفت.^(۲۳)

توضیح اینکه، در حقوق انگلستان، دادگاهها بین ارتکاب جرم در اثر عامل داخلی مثل جنون و عامل خارجی مثل بی‌اختیاری ناشی از یک عنصر بیرونی، تفاوت قائلند. در مورد بی‌اختیاری، شخص ممکن است تبرئه شود و

درمورد جنون، به مرکز درمانی معرفی خواهد شد، و اختیار آزادی او با مقامات وزارت کشور و مؤسسه درمانی است. به همین لحاظ، متهمان کمتر از دفاع جنون استفاده می‌کنند و در این گونه موارد، از دفاع "مسئولیت تخفیف یافته" و یا دفاع بی‌اختیاری استفاده می‌نمایند.^(۲۵)

بخش سوم. در حقوق ایران

در مبحث حدود مسئولیت جرایمی که عوامل رافع مسئولیت، ضمن قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، آمده است؛ ذکری از خواب به عنوان عامل رافع مسئولیت جزایی نیامده است. اما حقوقدانان باتوجه به مواد دیگر قانون جزا و روح قانون، به این مسئله توجه داشته‌اند. به نظر ایشان، اگر کسی در حال خواب مرتکب عمل مجرمانه شود نمی‌توان او را مسئول دانست.^(۲۶)

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، به پیروی از متون فقهی در مباحث قصاص و دیات، متعرض این موضوع شده است.

الف) در ماده (۲۲۵) قانون مجازات اسلامی آمده است: "هر کس در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد، قصاص نمی‌شود؛ فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد." این ماده در مبحث قصاص و در بیان شرایط قصاص آمده است.

ب) ماده (۳۲۳) قانون مجازات اسلامی: "هرگاه کسی در حال خواب بر اثر غلتیدن و حرکت موجب نقص عضو یا تلف شود، جنایت او به منزله خطای محض بوده و عاقله او عهده‌دار خواهد بود."

در بخش یکم این مقاله دیدیم که فقها درمورد مسئولیت شخص خواب، اقوال مختلفی بیان داشته‌اند. این اختلاف اقوال، در قانون مجازات اسلامی به صورت دو ماده فوق منعکس شده است.

در قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱، دو ماده فوق در ابواب مربوط به شرح زیر آمده بود:

الف) در قانون حدود و قصاص ماده (۲۱) مقرر شده بود: "هرگاه کسی در حال خواب یا

بیهوشی شخصی را بکشد، قصاص نمی‌شود، لکن باید دیه قتل به ورثه مقتول داده شود." ب) به موجب ماده (۲۹) قانون دیات مصوب ۱۳۶۱: "هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلتیدن موجب تلف یا نقص عضو شود، جنایت او به منزله خطای محض بوده و عاقله او عهده‌دار خواهد بود."

با تطبیق این مواد مشخص می‌گردد که اولاً: مواد (۳۲۳) قانون مجازات اسلامی که فعلاً مجری است و ماده (۲۹) قانون دیات مصوب ۱۳۶۱، دقیقاً منطبق بر هم هستند. ثانیاً: در ماده (۲۹) قانون سال ۱۳۶۱، عبارت ماده با فعل مجهول در عبارت "باید دیه قتل به ورثه مقتول داده شود" آمده بود که با ماده (۲۱) همان قانون قابل جمع بوده و می‌توانستیم نتیجه بگیریم که در هر دو مورد، دیه بر عاقله است. در واقع، ماده (۲۹) قانون دیات، مکمل ماده (۲۱) قانون حدود و قصاص به شمار می‌رفت؛ اما در قانون فعلی ظاهراً تعارض وجود دارد.

برای رفع تعارض شاید بتوان گفت، ماده (۲۲۵) قانون مجازات اسلامی که دیه را به عهده شخص خواب نهاده، ناظر به وجود اختلال خواب رفتاری است. بنابراین، اگر کسی با علم به اینکه دچار این اختلال است، اسلحه را در کنار بستر

خود گذارده، بخوابد و در زمانی که خفته است دچار خوابگردی شده، اسلحه را بردارد و دیگری را بکشد، عملش در حد قتل شبه عمد قابل بررسی است و خود باید دیه مقتول را پرداخت کند.

در اینجا بی‌اختیاری او بر اثر خواب رفتاری با وجود علم به این بیماری و ارتکاب قتل غیر عمد نتیجه نوعی احتیاطی یا بی‌مبالاتی است، که فعل را به او منتسب می‌سازد. اما کسی که خفته و بر اثر غلتیدن موجب مرگ دیگری شده است، از خود هیچ‌گونه اختیاری ندارد و مسئول پرداخت نیست، بلکه دیه را باید عاقله بپردازد، زیرا چه در فعل و چه در قصد خطاکار است.

در مورد حملات ناشی از صرع که بیمار نسبت به اعمالی که انجام می‌دهد آگاهی ندارد، قانون ساکت است؛ اما می‌توان گفت در صورتی که قبل از حمله، شخص مرتکب بی‌احتیاطی شده و پیش‌بینی‌های لازم را برای جلوگیری از انجام بزه به عمل نیاورده و احتیاط لازم را معمول ندارد، در صورت وقوع بزه قتل، در حد قتل شبه عمد موضوع بند "ب" ماده (۲۹۵) قانون مجازات اسلامی، قابل تعقیب است.

درمورد هیپنوتیزم، فروض زیر قابل تصور است:

الف) شخصی با قصد قتل دیگری، خود را در اختیار هیپنوتیزم کننده قرار می‌دهد؛ پس از به خواب رفتن، عامل هیپنوتیزم به او دستور قتل دیگری را داده، پس از بیداری بر اثر تلقینات هیپنوتیزم کننده، فرد مرتکب قتل دیگری می‌شود. در اینجا چهار نظر می‌توان ابراز داشت:

- ۱- چون در زمان ارتکاب قتل، قصد نداشته، عملش مشمول ماده (۲۲۵) قانون مجازات اسلامی و باید دیه مقتول را بپردازد، زیرا قتل عمدی منتهی است.

- ۲- حکم این شخص همانند مکره است و وفق ماده (۲۱۱) قانون مجازات اسلامی باید قصاص شود و آکراه کننده (آمر) به حبس ابد محکوم می‌شود.^(۲۷)

- ۳- هر چند در ابتدا قبل از تأثیر هیپنوتیزم قصد قتل عمد دیگری را داشته و با تبانی



در مورد حملات ناشی از
صرع که بیمار نسبت به اعمالی
که انجام می دهد آگاهی ندارد،
قانون سناکت است؛ اما می توان
گفت در صورتی که قبل از حمله،
شخص مرتکب بی احتیاطی
شده و پیش بینی های لازم را
برای جلوگیری از انجام بزه به
عمل نیاورده و احتیاط لازم را
معمول ندارد، در صورت وقوع
بزه قتل، در حد قتل عینه عمد
موضوع بند ب ماده (۲۹۵)
قانون مجازات اسلامی، قابل
تعقیب است

هیپنوتیزم کننده، مرتکب قتل شده است؛ چون
در زمان عمل هیچ گونه اختیاری از خود نداشته
است و وسیله و آلتی در اختیار عامل بوده،
مشمول تبصره ماده (۲۱۱) قانون مجازات
اسلامی است. قصاص نمی شود و شخص
هیپنوتیزم کننده قصاص می شود.^(۲۸)

۴. عمل این شخص همانند فردی است
که خود را برای ارتکاب قتل، مست کرده است؛
او نمی تواند از قصاص برهد، و وفق بند "ب"
ماده (۲۰۶)^(۲۹) قانون مجازات اسلامی،
قصاص می شود و مجازات امر که معاون در
قتل عمد است در ماده (۲۰۷) قانون مجازات
اسلامی مشخص شده است.^(۳۰)

ب) در این فرض، شخصی برای معالجه
بیماری خود نزد پزشک می رود. پزشک او را
هیپنوتیزم کرده، در این حالت به او دستور
قتل دیگری را می دهد؛ شخص پس از رفع
حالت خلسه، بدون آگاهی، مرتکب قتل
دیگری می شود.

در این فرض، قاتل همانند وسیله ای در
دست هیپنوتیزم کننده بوده و مسئولیتی متوجه
او نیست؛ حکم هیپنوتیزم کننده مانند اکراه
کننده طفل و مجنون است و مسئول قتل
عمدی است.

در فقره "الف"، گزینه اول صحیح به نظر
می رسد؛ زیرا باتوجه به قصد قتل، موضوع اکراه

اصلاً مطرح نمی شود و گزینه چهارم، دوم و
سوم قابل دفاع نیست. زیرا در مورد مستی،
صرف نظر از اینکه قیاس در امر جزایی منع
شده است، مستی با هیپنوتیزم قابل قیاس
نیست. شخص مست هر چند مسلوب الاراده
است اما اجماً می داند چه بکند؛ ولی شخصی
که هیپنوتیزم شده است، از این جهت که قصد
قتل داشته ولی در زمان عمل بی اختیار بوده،
مشمول پرداخت دیه است. محکوم کردن
هیپنوتیزم کننده به معاونت در قتل عمد،
باتوجه به ماده (۲۰۷) قانون مجازات اسلامی،
دور از ذهن نیست.

چرا که در اینجا، مسئولیت معاون در قتل
عمد باتوجه به مفهوم ماده (۴۴) قانون مجازات
اسلامی، جدا از مسئولیت مباشر است.

حکم فقره "ب" همان طور که گفته شد،
ظاهراً صحیح به نظر می رسد.
از نظر ادله اثبات دعوا، گفته های اقرار کننده
و شاهد در خواب نمی تواند به عنوان دلیلی بر
ارتکاب بزه به کار رود. در این باره ماده (۲۳۳)
قانون مجازات اسلامی در مبحث راههای
ثبوت قتل مقرر می دارد: "اقرار در صورتی
نافذ است که اقرار کننده دارای اوصاف زیر
باشد:

۱- عقل، ۲- بلوغ، ۳- اختیار، ۴- قصد."
بنابراین، اقرار دیوانه، مست، هازل، نائم و
بیهوش نافذ نیست.

باتوجه به اینکه شخص خواب فاقد اختیار
است، قسمت اخیر ماده، توضیحی برای موارد
منعکس شده در صدر ماده است. در نتیجه،
اگر کسی در خواب به قتل دیگری اقرار کند،
این اقرار را نمی توان به عنوان دلیل وقوع قتل
علیه او به کار برد.

اعم از اینکه خواب طبیعی باشد، یا خواب
مصنوعی (هیپنوتیزم). البته شاید به عنوان
قرینه شروع تحقیقات بعدی، آن هم قرینه ای
ضعیف، از آن استفاده شود.

باید توجه داشت، بزه قتل در اینجا
خصوصیتی ندارد. بنابراین، اقرار به هر نوع
بزه ای در حال خواب نمی تواند مستند حکم

دادگاه قرار گیرد. در شهادت نیز وضع به همین
منوال است. پس شهادت شخصی که ثابت
شود در حال خواب مصنوعی و بر اساس
تلقینات هیپنوتیزم کننده، گواهی داده است،
قابل ترتیب اثر دادن نیست.

ادامه دارد

پی نوشت ها:

- ۱- دائرة المعارف بریتانیکا، سال ۲۰۰۱، م. ذیل کلمه، Sleep*.
2. Somnambulism
۳. فرهنگ لاروس، انتشارات لاروس، ۱۹۷۵، م. ذیل
کلمه "Somnambulism".
۴. دائرة المعارف بریتانیکا، ذیل کلمه، "Somnambulism".
۵. طریقتی، دکتر شکرالله، مقدمه ای بر روان شناسی و روان پزشکی
کیفری، تهران، ۱۳۵۵، ص ۳۳۷.
6. Hypnotism
7. Hypnotiseur
8. Frants Mesmer
۹. دائرة المعارف بریتانیکا، ذیل کلمه، "Hypnotism".
10. Trance
۱۱. رفع القلم عن ثلاثة: ۱. ۳. عن التائم حتى يستقيظ. مجله
دادرسی، شماره ۳۴، مبحث جنون، به قلم نگارنده.
۱۲. ر. ک: مجله دادرسی، شماره دوازدهم، مبحث مجازاتها، ضمان
طیب، شماره دوازدهم، به قلم نگارنده.
۱۳. مبانی تکملة المنهاج، جلد دوم، در موجبات ضمان، مسئله ۲۲۵،
ص ۲۳۲، چاپ نجف، ۱۹۷۶، م.
۱۴. تحریر الوسیله، جلد دوم، کتاب دیات، چاپ نجف، ص ۵۶۱.
۱۵. شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، جلد چهل و یکم،
کتبپوشی اسلامی، تهران، ۱۳۹۹، ص ۱۷۷.
۱۶. مرجع پیشین.
۱۷. مرجع پیشین.
۱۸. مرجع پیشین.
19. Rassat Michele. Droit Penal General. P.483
20. Common law
۲۱. تحلیل مبانی حقوق جزاء، ترجمه از انگلیسی، دکتر حسین میر
محمد صادقی، انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۴،
ص ۵۴.
22. Burges
23. Automatism
24. Cathrine Elliot, Francess Quim, education, 3rd edition, year 2000, p.244
۲۵. برای اطلاع بیشتر ر. ک: تحلیل مبانی حقوقی جزاء، مرجع پیش
گفته، ص ۵۲.
۲۶. صناعی، دکتر پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، گنج
دانش، ص ۴۳.
۲۷. ماده (۲۱۱) قانون مجازات اسلامی: "اکراه در قتل و یا دستور
قتل دیگری مجوز قتل نیست. بنابراین اگر کسی را وادار به قتل دیگری
کنند یا دستور به قتل رساندن دیگری را بدهند، مرتکب قصاص می شود
و اکراه کننده و امر به حبس ابد محکوم می شوند."
۲۸. تبصره ماده (۲۱۱) قانون مجازات اسلامی: "اگر اکراه شونده
طفل غیرمميز باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است."
۲۹. بند "ب" ماده (۲۰۶) قانون مجازات اسلامی: "مواردی که قاتل
عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً آکنشده باشد، هر چند قصد کشن شخصی
را نداشته باشد."
۳۰. ماده (۲۰۷) قانون مجازات اسلامی: "هرگاه مسلمانی کشته
شود، قاتل قصاص می شود و معاون در قتل به سه تا پانزده سال حبس
محکوم می شود."